

نامه سرگشاده نهضت آزادی ایران به برادر گرامی حجت‌الاسلام سید احمد خمینی دامت توفیقاته

بسمه تعالی

برادر ایمانی بعد از سلام، چند روز قبل نامه‌ای از طرف شما خطاب به نمایندگان مجلس شورای اسلامی منتشر گردید که در آن به مسائل مختلفی که هم اکنون در جامعه ما مطرح است، اشاره شده از جمله مسئله چماق و چماق‌داری به عنوان یک بینش سیاسی خطرناک عنوان شده بود و به نمایندگان ملت و مسئولین امر و مبارزان سابقه‌دار کشور هشدار داده بودید.

نهضت آزادی ایران از اقدام بجا و سنجیده آن برادر گرامی استقبال می‌نماید و فریاد رسای شما را انعکاس صدای بسیاری از مسلمانان متعهد و صادق و علاقمند و نگران سرنوشت انقلاب می‌شناسد. آری ای برادر، نهضت آزادی ایران نیز مانند شما، جو سیاسی حاکم بر جامعه را نه تنها غیراسلامی، بلکه مضر به حال انقلاب و اسلام می‌بیند و همانطور که شما هم گفته‌اید، بینش چماق و چماق‌داری برای اداره و کنترل جامعه و اعمال مقاصد گروه‌گرایانه را بینشی وحشیانه و نفرت‌انگیز می‌داند که بیش از هر چیز ضربه اساسی‌اش را بر امام و جامعه انقلابی ما وارد می‌سازد.

نهضت آزادی ایران نیز همانند شما فریاد برمی‌دارد که: «به خدا اسلام در خطر است» و اینکه: «این رفتارها به شرف و حیثیت یک ملت ضربه می‌زند».

نهضت آزادی ایران، همانند شما، انحصارطلبی، گروه‌گرایی و سیاست و بینش چماق‌داری، کتک زدن، فحش دادن، بی‌حیثیت کردن و لجن‌مالی افراد را وحشتناکترین مسائل موجود می‌داند و از اینهمه بی‌تفاوتی مقامات قضایی کشور سخت در شگفت است.

برادر عزیز، نهضت آزادی ایران نیز معتقد است که این حرکتها، عمدتاً از جانب کسانی است که تا دیروز بر سینه امام و انقلاب و یاران صادق و اصحاب نزدیک امام سنگ می‌زدند و بعد از ۲۲ بهمن ۵۷ بیش از هر کس و انقلابی‌تر و مسلمان‌تر از همه، خود را در «خط امام» می‌دانند و سنگ امام و انقلاب را بر سینه می‌زنند.

نهضت آزادی ایران نیز معتقد است که این حرکتها ماهیتاً فرصت‌طلبانه و ضدانقلابی بوده، اصالت انقلاب و ارزش‌های عالی انسانی و معنوی آنرا مخدوش ساخته و در نهایت از بین خواهد برد.

اما ای برادر عزیز آیا خطر تنها وقتی است که یاران صادق انقلاب مانند لاهوتی‌ها را در مساجد به گلوله ببندند؟ آیا ترور فکری شخصیت‌ها را خطرناکتر از ترور اشخاص نمی‌دانید؟

برادر گرامی آیا نمی‌بینید که چگونه از بدو پیروزی، به تدریج یاران صادق انقلاب را با برچسب‌های ناچسب کوبیده‌اند تا آنها را از صحنه خارج سازند؟

پس از پیروزی انقلاب عده‌ای از یاران صادق انقلاب و اصحاب امام، برحسب تکلیف شرعی، در

سخت‌ترین شرایط تاریخی، سنگین‌ترین مسئولیت‌ها را پذیرفتند. اما دیدید که هنوز مرکب حکم امام خشک نشده بود چگونه از چپ و راست بر آنان تاختند و بدترین حملات و تهمت‌ها را به آنان زدند و می‌بینید که هنوز هم ادامه دارد.

ای برادر چه فرقی است میان توطئه علیه لاهوتی در کوچصفهان و حملات ناروا و تهمت‌های بی‌جائی که مرتباً از رسانه‌های گروهی بخصوص از صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران علیه گروه خاص می‌شود؟

ای برادر آیا شما مؤسسين و رهبران و فعالين نهضت آزادی ایران را نمی‌شناسید، شما که خود از نزدیک با بسیاری از آنان، چه در داخل و چه در خارج از کشور تماس داشته و دارید؟ مگر اینان از پیشگامان حرکت اسلامی ایران نبوده‌اند؟ آیا اینان از اولین کسانی نبودند که اسلام را به دانشگاه بردند، و پل ارتباطی «حوزه علمیه - دانشگاه» و «دانشجو - طلبه» را بوجود آوردند و اولین بار فریاد برآوردند که: دین از سیاست جدا نیست. آن هم در زمانی که سخن گفتن از سیاست جرم بوده، حتی از جانب ائمه جماعت!

آیا این سران و فعالین و اعضای نهضت آزادی نبودند که بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲، با تمام قوا پرچم مقاومت ملت را برافراشته نگه داشتند و سکوت و تاریکی روزها و شبهای ایام سیاه بعد از کودتا را با فریادهای خود شکستند، و اولین لبیک‌گویان به حرکت حماسه‌آفرین امام در سال ۴۲ شدند؟ آیا نهضت آزادی و بنیانگذازان و پیشگامانی چون طالقانی و شریعتی کم به حرکت اسلامی و اسلام خدمت نموده‌اند؟

آیا این نهضت آزادی نبود که در تمامی دوران مبارزات ضداستبدادی و ضداستعماری، با قامتی برافروخته و ایستاده در برابر استبداد زمان و استکبار جهانی فریاد «نه» سرداد؟ و... پس چه شده است که امروز همین افراد اولین قربانیان در مسلخ عوام‌فریبی و سلطه‌طلبی گروهی باید بشوند؟

آیا ای برادر ندیدید که چگونه اصحاب و پیروان التقاطی قدرت سیاسی به معنای غیراسلامی‌اش از عمیق‌ترین احساسات در سینه خفته مردم علیه امپریالیسم آمریکا زشت‌ترین بهره‌برداری‌ها را کردند و به اعتراف صریح خودشان از اشغال سفارت، گروگان‌گیری آمریکائی‌ها برای از میدان به‌درکردن رقبای سیاسی و تحکیم پایه‌های حکومت انحصارگران استفاده کردند؟

آیا ای برادر ندیدید که با افشاگری‌های یک طرفه و مغرضانه، چگونه بر اعتبار و حیثیت معنوی این انقلاب لطمه زدند و برای کسب قدرت سیاسی، و بیرون راندن رقبا از صحنه، ارزش‌های والای انسانی اسلامی ما را در معبد عوام‌فریبی و سلطه‌طلبی قربانی کردند و در راه انتقال همه جانبه قدرت، از هرگونه برچسب زدن و تهمت و افتراء و جعل خبر و نشر اکاذیب خودداری ننمودند؟

و شما ای برادر، چرا در برابر اینهمه انحرافات سکوت کردید؟ آیا نمی‌دانستید که اگر آن روزها در برابر اولین قدمهای انحرافی می‌ایستادیم و با تمام قوا، از شرف و حیثیت و ارزشهای انقلابمان دفاع می‌کردیم، امروز گرفتار سلطه بینش چماق و چماقداری نمی‌شدیم؟

ای برادر به نظر شما کدام یک از این دو خطرناکتر هستند: ترور شخصیت‌ها یا ترور اشخاص؟

کدام یک کودتائی است واقعی علیه انقلاب، علیه ارزشهای عالی انسانیت و علیه عدالت اجتماعی؟
آیا مصونیت در برابر چماق داران تنها ارزشی است که باید حفظ شود؟
آیا قانون اساسی جمهوری اسلامی، خونهای شهیدان این انقلاب نیست؟
آیا ما می توانیم مردم را فقط به این دل خوش کنیم که قانون اساسی داریم؟
ای برادر بهترین قوانین تا زمانی که اجرا نشوند چه ارزشی دارند؟ مگر این اصل نهم قانون اساسی نیست که می گوید: هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

آیا این اصل بیست و دوم قانون اساسی نیست که می گوید:
حیثیت جان، مال، حقوق، مسکن و شغل اشخاص از تعرض مصون است مگر در مواردی که قانون تجویز کند.

متولیان امر، بر طبق کدام قانون، بی ترس و واهمه در خیابانها و کوچه ها و منازل و معابر و از صدا و سیمای جمهوری اسلامی، حیثیت افراد، حقوق آنان و... همه را پایمال می کنند؟
ای برادر مگر اصل اسلامی و اصل سی و هفتم قانون اساسی نمی گوید: اصل بر برائت است و هیچکس از نظر قانون مجرم شناخته نمی شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد.
آیا اصل سی و هشتم قانون اساسی نمی گوید:

«هر گونه شکنجه برای گرفتن اقرار و یا کسب اطلاع ممنوع است. اجبار شخص به شهادت، اقرار یا سوگند مجاز نیست و چنین شهادت و اقرار و سوگندی فاقد ارزش و اعتبار است و متخلف از این اصل طبق قانون مجازات می شود»؟

آیا اصل سی و نهم نمی گوید که:

«هتک حرمت و حیثیت کسی که به حکم قانون دستگیر و بازداشت، زندانی یا تبعید شده، به هر صورت که باشد ممنوع و موجب مجازات است»؟

ای برادر گرامی، آیا بینی و بین الله، متولیان امور مملکت ما، مدعیان انحصاری مکتب و خط امام مطابق موازین قانون اساسی عمل می کنند؟

به راستی چه کسانی حیثیت و شرف و آبروی اسلام و ملت را به بازی گرفته اند؟
آری ای برادر: نهضت آزادی ایران ضمن آنکه از ابتکار شما در نامه ای که نوشته اید صمیمانه استقبال و حمایت می نماید، لازم دانست که نکات بالا را به اطلاعاتان برساند و باید اضافه کنیم که ظلم تنها به لاهوتی نشده است و سخن بر سر لاهوتی ها نیست، بلکه دفاع از ارزش هاست، ارزش های والای اسلامی، که جوهر انقلاب عظیم ملت ماست.
حفظ و حراست از این ارزشها وظیفه اساسی همه مسلمانان متعهد و معتقد می باشد.

والسلام علیکم و رحمه الله و برکاته

نهضت آزادی ایران

۲/ اسفند/ ۱۳۵۹